

ذکر وضع شکار «انگلش»
وهتر سگان واسبهای ایشان

است، هردو به اعانت سگان، یکی به بندوق. چون بوی خرگوش یا دراج و امثال او برنده‌ای به بینی سگان رسد، چهار دوران، خاموش بیصدا ایستاده شوند، و نوبت بینی اهرجانب به طرف شکار کنند. در آن وقت شکاربان خبردار شده تهیه بندوق زدن می‌کنند، و به مجرد حرکت شکار، او را به ساچمه می‌زنند. چنانچه گاهی دوسه دراج به یک تیر بندوق می‌افتند. ملاحظه افعال طبیعی و تعلیم هنر این سگان مرا بسیار غریب و پسندیده نمود. گمان می‌کنم که بهترین شکار بدین وضع است. شنیده شده که بعضی سگان آن قدر مهذبند که در حین جستن از دیوار مزرعه قرب شکار، به شامه حس کرده از خوف رم [کردن] او، در عین فعل جستن وامی‌چهند، و خود را بر دیوار مزرعه گرفته شکاری را خبردار می‌سازند. دوم اینکه: سگان در عقب شغال یا روباه و خرگوش و امثال آن افتاده، هرجا او رود می‌روند، و سواران از عقب ایشان، تا به شکار رسند. اگر فی‌المثل شکار نیم «گروه» پیشتر است، و از رودخانه به شنا عبور کند، سگان به شامه حس کرده، نیز عبور می‌نمایند؛ و اگر به سوراخی خزد، اگر آن سوراخ فراخ است، سگان خرد اندرون رفته، او را بیرون کشند. و اگر تنگ است دور او حلقه کشند تا سواران رسیده، به بیل و کلنگ کاییده او را بر آرند. تعاقب ایشان مرشکار را، آن قدر سماجت دارد و بی‌غلط است که شکار بیچاره از کوه و میدان و به دیهات رفته، در خانه‌های مردم خزد، و اسب شکاربان در هردو قسم از جوی و خندق چهار پنج گز عرض، و دیوار قد آدم پروا نمی‌کند، و بی‌تهیه جستن خود را آن طرف می‌گیرد. همچنین در شکستگیها و عبر رودخانه‌ها لغزش و تذبذب در قدم و رأی او به هم نمی‌رسد. بالجمله بعد معاودت از شکار بر سفره چاشت نشستیم، و آن محبوب دلنواز، یعنی «مسس کاک» هم مجمع را به نور حضور خود منور داشت. کباب گوشت گوسپند در آن روز به خوردن آمد، که لذت آن مدت‌العمر به خاطر خواهد ماند، و با وصف چاشت با امرای لندن تا آن روز بدان خوبی گوشت نخورده بودم. چند قسم گوشت شکار و میوه‌های خوب هم بر آن سفره بود. پنجشنبه حضری در بلده «چینگ نرتن»^۱ و چاشت در بلده «استو»^۲، به خانه یکی از اعزّه کرده، خواب در «سین کت»^۳، باغ «مستر کاکریل»^۴ نمودیم. «کرنل کاکریل» عمارت پاکیزه‌ای در این باغ ساخته که پس از فوت او «مستر کاکریل» از همه ورثه خریده خاص خود کرده است. دوز در غایت صفا و فرحت در آنجا گذشت.

(۱) تذبذب، تردید، دودلی.

(۲) Chipping Norton

(۳) Stowe

(۴) Seisincot

ذکر خوبی باغ «مستر هشتین»^۱
و «دیری»^۲ آن

یکشنبه به باغ «مستر هشتین»، «کورنر» مشهور بنگاله، به دعوت طعام رفتم. چون در لندن قرار یافته بود که هرگاه بدانجا رسم هفته‌ای با او گذرانم، مستدعی ایفای وعده شده مرا نگهداشت. از وفور میوه آن باغ و نعم خوان «مستر هشتین»، خصوصاً خوبی گوشت و پنیر و شیر و مسکه، قلم شرح نتواند داد، خصوصاً از پاکیزگی «دیری» آن. در هر باغ «کنتری هوس» مخصوص کارخانه شیر می‌باشد.

این «دیری» ایوانی است بزرگ که اورسبهای آینه‌ای و پنجره طلایی به شکل دام ماهی، برای منع هوام و پرنده‌های خانگی و گذر باد بر منافذ، دارد و متعلق به زنان و از این جهت بسیار خوش-ساخت و پاکیزه می‌باشد. در این باغ زیاده از حد تنقیح و پاکیزگی به کار برده‌اند. حوضهای سنگ مرمر دارد که شیر در آن ریزند و سرشیرگیرند و پنیر سازند. و هم سکوهای سنگ مرمر برای نشیمن زنان در آن موضع است. هر روز برای تماشای آنجا آمده نشینند و قدری وقت بدان شغل نمایند و گذرانند. * عمارت این باغ را «مستر هشتین» خود نقش بسته، و آینه‌های بزرگ خوش-قطع و چهلچراغهای بلورین و قالینها، و هر چیز شاهانه در آن گذاشته. به هیأت مجموع، آن قدر مطبوع و دلپذیر است و به حدی صاف و پاک می‌ماند که به خاطر ناظر رسد که مسکن پریان است، و مردم در اینجا بی‌اکل و شرب زندگانی کنند، و حاجت به فضول ریختن و کثافت کردن ندارند. یک سمت آن باغ به کوهستان پیوسته است. راهی باریک برای بالارفتن آن بریده‌اند، و بعضی مواضع او را، که قابل سیر بوده، صاف و مسطح کرده نشیمن ساخته‌اند. چشمه‌های آن را به هم متصل کرده به حوضی بزرگ مربع، که برای همین کار ساخته شده و دور آن گلستان است، ریخته‌اند؛ و از آن حوض دونه‌ر، که پلهای آهنین خوشنما بر آنها بسته‌اند، بر زمین جاری می‌شود؛ و در عمارت هم هرجا خواهی شیردهان شعبه آب موجود است. «مستر هشتین» سه چهار ماه در لندن، و باقی در آن مکان بهشت نشان به فراغ زندگی می‌کند که سلاطین آفاق را گاهی میسر نبود. جمیع ضروریات او از خوراکی مردم و علیق دواب، بجز رخت و شراب، از زمین متعلقه آن

(۱) نقل از نسخه چاپی: در نسخه خطی این عنوان چند سطر پایینتر آمده است.

(۲) Dairy

(۳) عبارات بین دو ستاره در نسخه چاپی به شرح زیر است:

خوبی گوشت و پنیر و سرشیر و مسکه قلم شرح نتواند داد خصوص از پاکیزگی دیری آن. دیری عبارت است از ایوانی بزرگ که در هر باغ مخصوص کارخانه شیر می‌باشد. این دیری از هر چهار طرف ایوان، اورسبهای آینه و نور طلایی یعنی پنجره به شکل دام ماهی دارد. از سنگ مرمر عمارت شده حوضهای سنگ مرمر که شیر در آن ریزند و کره بندند و سرشیرگیرند و پنیر سازند، و سکوهای سنگ مرمر برای نشیمن «مسس هشتین» در آن موشوع است. هر روز برای تماشای آنجا آمده نشینند و قدری وقت بدان شغل گذرانند. بنابراین هر جزو آن به سفا و سلیقه طرح شده که مزیدی بر آن متصور نیست...